



مهدی نوید در گفت وگو با
فصلنامه‌ی رشد آموزش قرآن تشریح کرد:
**تحول بنیادین در راه
است آماده باشیم**

گفت وگو: رمضانعلی ابراهیمزاده گرچی
یونس باقری

اشاره

دارد. هفت سال مدیرکل امور فرهنگی - هنری امور تربیتی و شش سال معاون سازمان نوسازی مدارس بود. پس از معاونت «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، مدتی ریاست آن را به عهده گرفت و سرانجام دبیر کلی شورای عالی آموزش و پرورش را عهده‌دار شد. این نکته جالب توجه است که مهدی نوید، در تلفیق دروس دینی و قرآن نقش داشت!

وی با کوله‌باری از تجربه‌های مدیریتی و اجرایی و تدریس، به پرسش‌های ما درباره‌ی ساختار شورای عالی آموزش و پرورش و وظایف این نهاد، محتوای سند ملی آموزش و پرورش، برنامه‌ی درسی ملی، جایگاه قرآن و معارف قرآنی در سند ملی، برنامه‌ی درسی ملی و وضعیت آموزش قرآن و برخی مسائل مربوط به این درس پاسخ گفت. امیدواریم خوانندگان گرامی با مطالعه‌ی مشروح این گفت‌وگو احساس رضایت کنند.

گفت‌وگویی که مشروح آن حضور خوانندگان محترم فصلنامه‌ی «رشد آموزش قرآن» تقدیم می‌شود، با مهندس مهدی نوید انجام شد. مهدی نوید در مقام دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش با خبرنگاران مجله به گفت‌وگویی دوستانه نشست. شورای عالی آموزش و پرورش، عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیری در حوزه‌ی آموزش و پرورش به حساب می‌آید و مصوباتش حکم قانون دارد.

نوید که تا انتصاب در سمت کنونی، تصدی رده‌های متفاوت مدیریتی را در وزارت آموزش و پرورش در کارنامه‌ی شغلی خود دارد، از جهاد سازندگی به آموزش و پرورش آمده است. وی در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستانی تدریس کرده است و سابقه‌ی تدریس در مراکز تربیت معلم و دانشگاه قرآن را هم

سند ملی سندی تحول آفرین برای نهاد آموزش و پرورش است که همه مؤلفه‌ها و زیرنظام‌هایش را دربرمی‌گیرد؛ از جمله محتوای برنامه درسی ملی را

معلم تربیت شود تا بتواند برنامه درسی ملی را پیاده کند. در این برنامه، از حوزه منابع انسانی گرفته تا ورودی، نگه‌داشت و چگونگی ارتقای نیروی انسانی تعریف شده است.

○ براساس برنامه درسی ملی، دو دوره شش ساله تعریف شده است. محتوا چگونه با این وضع اجرایی تطبیق داده می‌شود؟

● تغییر ساختار، تغییر محتوا را به همراه دارد. اکنون دوره‌های تحصیلی نظام آموزشی کشور به صورت ۵، ۳، ۳ و یک سال تنظیم شده است. در ساختار پیشنهادی در سند ملی، این تقسیمات به ۶، ۳ و ۳ سال تغییر یافته است. که محتوای پایه ششم ابتدایی در دست تهیه است.

○ جناب عالی درباره تغییر فلسفه آموزش و پرورش و تدوین سند ملی مطالب گویایی فرمودید. با عنایت به فرمایش مکرر مقام معظم رهبری درباره مهجور ماندن قرآن در آموزش و پرورش، آن چه از فلسفه تعلیم و تربیت و برنامه درسی ملی گفتید، چه عایداتی برای آموزش قرآن دارد؟

● فرمایش مقام معظم رهبری، از دغدغه‌های دوستان تدوینگر سند ملی بود. این گروه در صدد بودند، مبانی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران را براساس آموزه‌های قرآنی پی‌ریزی کنند و این کار را هم کرده‌اند. امیدواریم تعلیم و تربیت اسلامی در سند ملی، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی باشد. زیرا از آموزه‌های قرآنی الهام گرفته‌ایم.

○ دکتر مهرمحمدی و همکارانشان این کار را کرده‌اند؟

● بله. لذا تمامی واژه‌های فلسفه تعلیم و تربیت و کلیدواژه‌ها، قرآنی هستند؛ مثل بحث «حیات طیبه». اگر این بحث درست فهم و درست عملیاتی شود، اصلی‌ترین اتفاق همین اتفاق خواهد بود.

○ گفته می‌شود در برنامه درسی ملی، قصد بر آن است که درس دینی و قرآن دوره ابتدایی را یکی کنند. به نظر ما کاری اشتباه است و درس قرآن باید از درس دینی جدا باشد. شما چه نظری دارید؟

● به این مسئله جزئی باید در برنامه درسی ملی پرداخته شود. بنده اطلاعی از کم و کیف کار ندارم. بنده هم با شما

○ بفرمایید ارتباط سند ملی آموزش و پرورش با برنامه درسی ملی چیست؟

● سند ملی سندی تحول آفرین برای نهاد آموزش و پرورش است که همه مؤلفه‌ها و زیرنظام‌هایش را دربرمی‌گیرد؛ از جمله محتوای برنامه درسی ملی را. به اعتقاد ما، اگر قرار است تحولی در آموزش و پرورش به وجود آید و از کارآمدی و اثربخشی لازم برخوردار شود، تنها با تغییر یک یا دو مؤلفه، تغییرات مورد نیاز ایجاد نمی‌شوند. همه عوامل پیدا و پنهان این نظام باید تغییر کنند.

در سند ملی، از منظر تقسیم کار ملی به آموزش و پرورش نگاه کرده‌ایم. هم‌چنین، از بعد عوامل بیرونی سیستم واکاوی شده است که آن‌ها باید چه تغییر نقشی بدهند تا آموزش و پرورش بتواند نقش خود را به خوبی اجرا کند. برای مثال، در جای‌جای این سند آورده شده است که اگر به دنبال تحول جدی و پیشرفت در کشوریم، اگر به انسان به عنوان سرمایه فرهنگی و اجتماعی معتقدیم، باید تغییراتی در آموزش و پرورش به وجود آوریم. اگر قرار است خلاقیت در کشور تقویت شود و کارآفرینی و تحقیق و پژوهش در کشور گسترش یابد، باید کار را از دبستان آغاز کنیم؛ یعنی از زاویه بیرونی به این نظام نگاه کرده‌ایم.

بحث اصلی در سند ملی آموزش و پرورش این بود که تغییرات مورد نظر باید در تمام زیرنظام‌های این نهاد به وجود آیند. یعنی تربیت معلم به «طرح جامع نیروی انسانی» نیاز دارد. همان‌طور که پژوهش نیازمند «طرح جامع پژوهش» است. برای محتوای درسی نیز باید «طرح جامع محتوای درسی» تهیه کرد.

«طرح جامع محتوای درسی» را که نقشه یادگیری محتوای درسی را تبیین می‌کند، «برنامه درسی ملی» نامیدیم. برنامه درسی ملی، عضوی از مجموعه سند ملی آموزش و پرورش است و فرایند یادگیری مبتنی بر مواد نظری را تثبیت می‌کند. مفهوم برنامه درسی ملی این است که دانش آموز از ابتدای ورود به دبستان تا زمانی که از دبیرستان خارج می‌شود، چه موضوع‌هایی را با چه سطح و عمقی و چگونه فرا بگیرد. معلمان نیز باید چه مهارت‌هایی داشته باشند و چگونه به دانش‌آموزان آموزش بدهند.

○ آیا می‌توانیم بگوییم برنامه درسی ملی در صدد است، فلسفه تعلیم و تربیت را در حوزه یاددهی - یادگیری اجرایی کند؟

● فقط در قسمت محتوا! اما در بخش نیروی انسانی، برنامه جامع نیروی انسانی در سند ملی دیده شده است. یعنی چگونه



زبان آموزی به تکرار و مداومت نیاز دارد، زیرا قرآن هم‌زبانی است که دانش‌آموز باید فراگیرد. چون دانش‌آموزان هر روز قرآن می‌خوانند، این کار سبب تقویت یادگیری آنان شد و یادگیری و تکرار سبب تعمیق یادگیری هم می‌شود

یا حتی در هفته دو، ساعات موظف تدریس قرآن در سال سوم ابتدایی را دو ساعت قرار دادند. پس از آن به مدت یک ماه، زمان آموزش روزانه و فشرده شد. بعد از آن تا پایان سال، تدریس به صورت عادی ادامه پیدا می‌کرد.

«پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش» بر ساعات تدریس دوره آزمایشی نظارت داشت. یافته‌های پژوهشگاه نشان داد که برنامه تجمیع، در یادگیری و تسهیل یادگیری دانش‌آموزان نقش مؤثری داشت. این دوره نشان داد که زبان آموزی به تکرار و مداومت نیاز دارد، زیرا قرآن هم‌زبانی است که دانش‌آموز باید فراگیرد. چون دانش‌آموزان هر روز قرآن می‌خوانند، این کار سبب تقویت یادگیری آنان شد و یادگیری و تکرار سبب تعمیق یادگیری هم می‌شود. و به دلیل آن که قرآن کلام خداوند است، تأثیر روحی و روانی هم در بچه‌ها دارد.

این طرح پیامد تربیتی هم داشت. از این طرح هم معلمان و هم خانواده‌ها استقبال کردند. بنابراین شورای عالی آموزش و پرورش بر تصمیم اجرای این طرح در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۰ در مدارس سراسر کشور تأکید کرده است.

○ حدود ۱۰ سال می‌شود که در دوره دبیرستان، درس‌های دینی و قرآن تلفیق شده‌اند که با عنوان «درس دینی و زندگی» اشتهار یافته است. معلمان در این مورد نظر یگانه‌ای ندارند و به همین دلیل، بیشتر به بخش دینی می‌پردازند و به بخش قرآن کم لطفی می‌شود. گروهی از معلمان خواهان تفکیک درس قرآن و دینی از یکدیگرند. نظر شما به عنوان یک کارشناس چیست؟ آیا شورای عالی آموزش و پرورش نمی‌خواهد با کار پژوهشی، مشخص کند که وضع کنونی مفید است یا باید این دو درس از هم جدا باشند؟

● من در فرایند ادغام این دو درس بوده‌ام و در تصمیم‌گیری

موافقم که درس قرآن باید مستقل دیده شود تا امکان انس بچه‌ها با قرآن فراهم آید. در سند ملی، اصطلاح «سواد قرآنی» آمده است، با این هدف که دانش‌آموزان ضمن خواندن قرآن، مفاهیم قرآنی را نیز بیاموزند، با قرآن کار کنند و از قرآن الهام بگیرند. ما کوشیدیم آموزه‌های قرآنی را مبنای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری قرار بدهیم و بدین ترتیب در راستای تحقق آموزه‌های قرآنی حرکت کنیم. یعنی سعی شد هر دو جنبه دیده شود.

○ پس در سند ملی آموزش و پرورش اصطلاح «سواد قرآنی» آمده است؟

● بله آمده است. اگر قرار است «سواد قرآنی» تحقق یابد، در دبستان بچه‌ها باید بتوانند قرآن را از رو بخوانند. اما این که در کنار درس دینی این آموزش صورت بگیرد یا به صورت مستقل، بحث کارشناسی را می‌طلبد که باید دید دوستان چه تصمیمی می‌گیرند.

○ بنده به عنوان کارشناس آموزش قرآن در مدارس، این دغدغه را با شما در میان می‌گذارم.

● در سؤال قبلی گفتم که با شما موافقم، زیرا در دوره دبستان بچه‌ها نمی‌توانند قرآن را از رو بخوانند. درس دینی هم اقتضاها و باید و نبایدهای خود را دارد و می‌تواند درس مستقلی باشد. بنده هم بر تفکیک این دروس از هم تأکید دارم.

○ قرار است اجرای ۳۰ درصد طرح تجمیع آموزش قرآن در سال سوم ابتدایی، با مجوز شورای عالی آموزش و پرورش، به مدارس سراسر کشور تصمیم یابد. می‌خواهیم بدانیم نتیجه پژوهشی که صدور مجوز اجرای طرح را در سراسر کشور در پی داشت، چه بود؟

● این طرح برای تجمیع زمان آموزش بود و ساعات درسی در طول یک سال تحصیلی نه کم و نه زیاد شد. در هفته اول



بنده با شما موافقم که درس قرآن باید مستقل از درس دینی باشد تا امکان انس بچه‌ها با قرآن فراهم آید. و این موضوع باید در برنامه درسی ملی مورد بررسی قرار گیرد

اکثر اصطلاحات پر کاربرد قرآنی آموزش داده می‌شوند. اصطلاحات باقی‌مانده را می‌توان در دبیرستان یاد داد. برای این کار می‌توان به دانش‌آموزان دبیرستانی قرآن کاملی داد که در آن، لغات مشکل در گوشه‌های از هر صفحه ترجمه شوند و ذل آیات مشکل، ترجمه‌ی ساده‌ای بیاید. بدین صورت آموزش قرآن در دبیرستان به شکل مستقل درمی‌آید و در همان حال، مستندات درس دینی هم ملهم از قرآن خواهد بود.

● قابل تأمل است. هدف انس بچه‌ها با قرآن است. اگر کتاب دینی به صورت مناسب با قرآن در هم تنیده شده باشد...
○ در کتابی که در حال حاضر مبنای تدریس است، نتوانسته‌اند این کار را انجام دهند. البته دو نظر بین معلمان وجود دارد: عده‌ای از معلمان معتقدند، هدف تعیین‌شده برای حد فراگیری قرآن تأمین نمی‌شود. پیشنهاد بنده این است که شورای عالی آموزش و پرورش برای تعیین تکلیف به پژوهش همه‌جانبه‌ای دست بزند؛ همان‌طور که برای طرح تجمیع آموزش قرآن در پایه‌ی سوم عمل کرده است، تا وضعیت درس قرآن در دبیرستان مشخص شود.

● می‌توان این کار را کرد.
○ می‌توانیم این خبر را به مخاطبان مجله بدهیم؟
● باید منتظر باشیم و ببینیم که برنامه‌ی درسی ملی چگونه با این پدیده مواجه می‌شود. اگر همین سیاق کنونی ادامه یابد، آن وقت می‌توان در آن تأمل کرد.
○ به احتمال زیاد، درس دینی و قرآن را با هم دیده‌اند. پیشنهاد ما این است که شورای عالی قبل از این که چنین اتفاقی در برنامه‌ی درسی ملی بیفتد، کار پژوهشی انجام دهد.

نقش داشته‌ام. آن زمان با چند پیش فرض این کار شد. اگر پیش فرض‌ها محقق شوند، تصمیم قابل دفاعی است. فرض تصمیم‌گیران این بود که دانش‌آموزان در دوره‌های دبستان و راهنمایی بر روخوانی و روان‌خوانی قرآن مسلط می‌شوند. در این صورت، دبیرستان جای آموزش روخوانی و روان‌خوانی و حتی تجوید و قواعد نیست. فرض دیگر این بود که در دوره راهنمایی تحصیلی، مفاهیم نیز آموزش داده می‌شوند، پس در دبیرستان باید به معارف بپردازیم و به این ترتیب، هدف هر دوره نیز برآورده می‌شود؛ یعنی همان هدف‌هایی که شورای عالی برای دوره‌های دبستان، راهنمایی و دبیرستان تعیین کرده است.

پیش فرض دوم این بود که گرایش اصلی معلمان از زاویه‌ی معارف قرآنی است، نه صرفاً فلسفی- با این دو پیش فرض- گرایش معلمان و تأمین هدف هر دوره‌ی آموزشی- شورای عالی این دو درس را ادغام کرد. با این استدلال، آموزش دین در دوره دبیرستان، همان تعلیماتی است که ریشه در قرآن دارد و از دل آیات قرآن و روایات استخراج می‌شود. لذا این دو درس می‌توانند با هم باشند. بدین ترتیب، معلم وقت بیشتری برای تفکر و تدبر در قرآن و مأنوس کردن بچه‌ها با قرآن خواهد داشت و اندیشه‌ی دینی دانش‌آموزان که ریشه در قرآن دارد، تقویت شود.

○ می‌شود کتاب، کتابی دینی باشد و با الهام از قرآن و مستند به آیات قرآن نوشته شود، اما درس جداگانه‌ای هم برای آموزش قرآن داشته باشیم. این منافاتی با آن چه می‌فرمایید ندارد.

● منافاتی ندارد، اما در این درس چه می‌خواهید یاد بدهید؟ باید قرآن را باز کنید و معارف قرآنی را یاد بگیرید.
○ برای مثال، در درس مفاهیم قرآنی دوره راهنمایی،

معلمان قرآن علاوه بر داشتن

مهارت‌های عمومی باید از دو ویژگی

دیگر هم برخوردار باشند: اول به

معلمی قرآن عشق بورزند. دوم،

داشتن مهارت‌های قرآنی است

شود. باید شیوه‌های مدیریتی ما ملهم از آیات قرآنی باشد و روح پیام‌های قرآنی در نظام نیروی انسانی و تربیت معلم ما نهادینه شود. به‌طور کلی، امور تربیتی و غیر امور تربیتی، مستقیم و غیرمستقیم به قرآن رجوع کند. در این صورت و با رویکرد قرآنی می‌توان مشکلات را حل کرد و قرآن را از مهجوریت درآورد.

○ مصوبات مجلس شورای اسلامی را، تا شورای نگهبان با شرع و قانون اساسی تطبیق ندهد، تأیید نمی‌کند. آیا در آموزش و پرورش هم نهادی هست که مصوبات این وزارت‌خانه را بررسی کند تا جهت‌گیری‌های آن با روح کلی قرآن منافات نداشته باشد؟

● خیر! شورای عالی آموزش و پرورش ذیل قوانین مجلس، قانون تصویب می‌کند. این مصوبات نباید با چارچوب‌های قانون اساسی و مصوبات مجلس شورای اسلامی مغایرت داشته باشند. ضمن این‌که یک نفر مجتهد آشنا با تعلیم و تربیت اسلامی، در شورای عالی حضور دارد و از مرزها مراقبت می‌کند.

○ از نظر شما چه نسبتی بین آموزش قرآن و تربیت دینی وجود دارد؟

● آموزش دینی به‌صورت عام و آموزش قرآن به‌صورت خاص برای تحقق تربیت دینی است. از مجرای آموزش‌های قرآنی باید به تربیت دینی رسید. اما به نظر من، آموزش‌های قرآنی در آموزش و پرورش، هم موضوعیت و هم طریقت دارد. یعنی ما وظیفه داریم به بچه‌ها قرآن را آموزش بدهیم تا ضمن خواندن، با آن مأنوس شوند و مفاهیم قرآنی را درک کنند. نباید در این حد هم متوقف بمانیم، زیرا هدف آموزش قرآن، تربیت قرآنی است، لذا بین آن‌ها نسبت عموم و خصوص من وجه وجود دارد.

متأسفانه، گاهی - هرچند اندک - مشاهده می‌شود، افراد در مقدمات آموزش قرآن متوقف شده‌اند. یعنی قرآن را راحت و درست می‌خوانند، اما رفتار و منش قرآنی ندارند و دیگران از دست و زبان این عده در امان نیستند. اینان مصداق آیه مبارکه‌ی «کمثل الحمار يحمل اسفارا» [جمعه/ 5] هستند. آموزش قرآن آن‌جا معنا پیدا می‌کند که در گام اول، در جان قاری خانه کرده باشد. اگر سخن، منش، نگاه و تفکر قاری، رنگ و بوی قرآنی داشته باشد، اگر چنین نباشد، چه فرقی با آموزش چیزهای دیگر دارد؟ گرچه تنها خواندن و آموزش قرآن فضیلت به حساب می‌آید، اما سبب هدایت آدم‌ها نمی‌شود.

○ وقتی در درس اخلاق شرکت می‌کنیم، مربی و معلم، درس اخلاق می‌گوید و در میان گفتارش از آیات قرآن

حال به بخش دیگر گفت‌وگو پردازیم. شورای عالی انقلاب فرهنگی، منشور آموزش عمومی قرآن را تصویب کرد. در این منشور، آموزش و پرورش، متولی آموزش عمومی قرآن شده است، اگر قرار باشد مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی از طریق آموزش و پرورش اجرایی شود، آیا شورای عالی آموزش و پرورش آمادگی دارد و آیا در این زمینه تاکنون اقدامی کرده است؟

● منشور مورد نظر به کل کارهای قرآنی در کشور پرداخته است و در بخش آموزش عمومی، مسئولیت را متوجه آموزش و پرورش دانسته است. باید دستگاه‌های مربوط تصمیم بگیرند. شورای عالی آموزش و پرورش در این زمینه مسئولیتی ندارد و ما هم به سهم خود اعلام حمایت کرده‌ایم. برنامه‌هایی که قرار است در بخش دانش‌آموزی اجرا شوند، باید در این شورا به تصویب برسند و به صورت قانون درآیند.

○ گذشته از فرمایش رهبری درباره‌ی مهجور بودن قرآن در آموزش و پرورش و مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فعالیت‌های متفرقه‌ای مثلاً در دارالقرآن و امور تربیتی انجام می‌گیرد. آیا بهتر نیست نهاد مستقلی در آموزش و پرورش شکل بگیرد تا تمام فعالیت‌های قرآنی را هدایت کند؟

● به تشکیل نهاد یا سازمان جدید اعتقادی ندارم. زیرا مشکل این نیست. چنین نهادی در صورت تشکیل، بیش از چهار قدم نمی‌تواند بردارد. مشکل اساسی در نوع نگاه ما به قرآن نهفته است. مشکل در مناسباتی است که با قرآن داریم. تا زمانی که این مشکل وجود دارد، مشکلات دیگر هم چنان باقی می‌مانند. باید قرآن را در هر کاری منبع پر فیض دید. برای هر پژوهش، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری باید به قرآن رجوع داشت. چرا پژوهشگران ما هنگام تحقیق به انواع و اقسام کتاب‌ها رجوع می‌کنند و از آن‌ها گد می‌دهند، اما به قرآن رجوعی ندارند؟ اگر نگاه ما به قرآن تغییر کند، از مهجوریت درمی‌آید.

وقتی بخشی را به دلیل اهمیت آن جدا می‌کنیم، بخش‌های دیگر خود را کنار می‌کشند و از خود رفع مسئولیت می‌کنند. رویکرد قرآنی باید رویکرد حاکم بر نظام آموزش و پرورش باشد و در برنامه‌های درسی ما فضای قرآنی مشاهده

تمام صاحب نظران و متخصصان باور دارند که وضع کنونی در آموزش و پرورش، هم از نظر آموزشی و هم از نظر تربیتی و هم از نظر آموزه‌های سیاسی، همان وضعی نیست که جامعه انتظار دارد

از قرآن تعریف تعقلی ارائه دهیم. بها دادن به عقل و تعقل از ویژگی‌های قرآن است. امتیاز قرآن همین ویژگی است. قرآن می‌فرماید: «قل هاتوا برهانکم» و با تعبیر مختلف هم طلب برهان می‌کند. باید با این نگاه به دین و معارف دینی، بچه‌ها را با معارف قرآنی آشنا کنیم.

متأسفانه، گاهی بوعی تحجر و خرافه را از برخی از آموزش‌های دینی احساس می‌کنیم. ما معلمان باید به برهان عقلی پناه ببریم و مقتضیات زمان را در نظر بگیریم. گاهی ترجمه‌هایی از قرآن را در اختیار بچه‌ها قرار می‌دهند که حتی نمی‌توانند آن‌ها را بخوانند؛ لذا ارتباط با قرآن ممکن نمی‌شود.

بنابراین ما به عنوان معلم- چه معلم قرآن چه معلم درس‌های دیگر- نباید آن‌چه را می‌دانیم بیان کنیم، بلکه باید با توجه به نیازهای زمان و نیاز فهم مخاطب سخن بگوییم. توجه به نیاز فردای مخاطبان بسیار اهمیت دارد. زیرا معلمی که تصویری از آینده نداشته باشد، نمی‌تواند دانش‌آموزان را برای فردا و فردها تربیت کند. به‌طور کلی توجه به نیازهای امروز و فردا ضرورت دارد.

ب) مبتنی بر مخاطب‌شناسی باشند. زیرا معلم باید مخاطبان خود، یعنی دانش‌آموزان را بشناسد. بنابراین باید سخنانی ناب از بزرگان دین را با آنان در میان گذاشت که ظرفیت فهم آن‌ها را داشته باشند. اگر نتوانند سخن و گفتار خوب را درک کنند، ممکن است دچار بدفهمی شوند. در روایات زندگی پیامبر اکرم (ص) آمده است، آن حضرت در حال گفت‌وگو با سلمان بود. وقتی ابوذر وارد شد، رسول خدا (ص) سخنانش را قطع کرد. بعد می‌فرماید: اگر ابوذر می‌دانست در قلب سلمان چه می‌گذرد، او را تکفیر می‌کرد. وقتی بین سلمان و ابوذر این قدر در فهم معارف فاصله وجود دارد، دیگر از ما و بچه‌های امروزی چه توقعی می‌توان داشت؟

بنده شاهد فاصله‌گیری برخی از بچه‌ها از برخی از معارف دینی بوده‌ام. زیرا سخنانی را شنیده بودند که نتوانسته بودند هضم کنند. یا تبیین نادرستی برای آنان شده بود.

○ زحمت کشیدید که در این گفت‌وگو شرکت کردید.

● موفق و مؤید باشید.

بهره می‌گیرد، اما نمی‌گوید درس قرآن می‌دهد. یا مرجعی که فقه تدریس می‌کند، به‌طور قطع در خلال مطالب خویش از آیات قرآن استفاده می‌کند، اما باز هم درس قرآن نمی‌دهد. آیا تدریس کنونی دینی و قرآن، مانند همان درس اخلاق و درس فقه نیست؟ اگر این‌طور باشد، بچه‌ها نمی‌توانند قرآن یاد بگیرند. آیا این استدلال برای استقلال درس قرآن کفایت نمی‌کند؟

● در سطوح تخصصی و پیشرفته این تفاوت مشاهده می‌شود؛ مانند فقه که درس تخصصی دانش دینی است. به درس اخلاق نیز در آموزش و پرورش که ما مسئولیت آموزش عمومی بچه‌ها را داریم، می‌توان از زاویه‌ی دیگری نگاه کرد. برای مثال، می‌توان درباره‌ی اخلاق قرآنی گفت، به جای اخلاق تخصصی. البته کار سختی است. به همین دلیل شاید دوستانی که درس دین و زندگی را آماده کرده‌اند، نتوانسته‌اند خوب از عهده برآیند، اما نگاه، نگاه درستی است. ما به این دلیل که آموزش عمومی است، معارف عمومی را آموزش می‌دهیم. اما در سطوح تخصصی، باید از منظر فلسفی، کلامی و... به هر موضوع نگاه کنیم که در بحث عمومی نمی‌گنجد.

○ مجله‌ی «رشد آموزش قرآن» را که مطالعه می‌فرمایید. آیا نظر خاصی درباره‌ی آن دارید؟

● مجله‌ی خیلی خوبی است. فراز و فرودهایی داشته، اما جریان تکاملی را از دست نداده است. یعنی شیب آن به سمت رشد و بالندگی است. مطالب آن خیلی ساده و خبری شده‌اند.

○ آیا پیشنهادی برای افزایش کیفیت آن دارید؟

● باید با نظرسنجی‌های کاملاً علمی از معلمان و مربیان که مخاطبان اصلی‌اند، برنامه‌ریزی‌های سالانه انجام گیرد. بحث‌های قرآنی دو حیطةی جدی دارند:

الف) اقتضاهای زمان در آن‌ها لحاظ شده باشد. یعنی فهمی از قرآن ارائه شود که پاسخ‌گوی نیاز زمان باشد. گذشتگان، زحماتشان برای دوره‌ی خودشان بوده است. ما باید پاسخ سؤال‌های امروز را از قرآن بطلبیم، آن‌ها را استخراج کنیم و در اختیار مخاطبان قرار دهیم.

از ویژگی‌های زمان حاضر، «فرهنگ مدرنیته» است. مدرنیته مدعی است که به عقل انسان بها می‌دهد و برای پدیده‌ها تبیین عقلی دارد. ما که در مقام دفاع از دین قرار داریم، باید روش تعقلی را ترویج کنیم. به تعبیر شهید مطهری در بحث ایمان، یکی از ویژگی‌های مذهبی، «ایمان تعقلی» است نه تعبدی. باید به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان در مدارس و دبیرستان‌ها که در سن رشد عقلی قرار دارند،